

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۸

موضوع: بررسی تحلیلی ساختارهای تشبیه در بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه

(ص ۲۴۷-۲۶۷)

موسی پرنیان^۱، خلیل بیگزاده^۲، علی صفی‌زاده^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

تشبیه یکی از گونه‌های صور خیال در دو بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه است که فردوسی آن را از زوایای گوناگونی مانند: وجه شبه، ادات تشبیه، انواع تشبیه، تقيید، تشبیه حسّی و عقلی و مفرد و مرکب سنجیده و برای اغراضی چون تبیین شگردهای حماسی و جلوه‌های معنایی شاهنامه که اهمّ آنها اغراق است، در اثر حماسی خود بکار برده‌است. بر این اساس، پژوهش پیش روی شگردهای بکارگیری گونه‌های تشبیه، بسامد آنها و نگرش فردوسی را در این تشبیهات با رویکردی توصیفی - تحلیلی بررسی، تحلیل، مقایسه و تبیین کرده‌است. وجه شبه ابتکاری، شگردهای نوکردن تشبیه، ابتکار و خلاقیت در آوردن مضامین نو و تازه از مواردی است که فردوسی آنها را بسیار دقیق و جزیی در شاهنامه پردازش کرده و برای بیان مقاصد و اهداف خویش بکار گرفته‌است. این مقاله تشبیه را از زوایای مختلف در شاهنامه بررسی میکند.

کلمات کلیدی: فردوسی، شاهنامه، تشبیه، ارکان تشبیه، عناصر تشبیه.

۱. مقدمه

منصور بن حسن، فردوسی از شاعرانی است که تشبیهات شعر او از لحاظ وسعت شعر و تصاویر پُر بار، قابل بررسی است. بیشتر تشبیهات شاهنامه، نه تنها پس از گذشت قرن‌ها، لطافت و تازگی خود را از دست نداده‌اند، بلکه دستمایه شعرای دیگر نیز شده‌است. تشبیه، بنیادترین صورخیال شاعرانه است، بگونه‌ای که هسته مرکزی تصاویر دیگر مانند استعاره، کنایه و تمثیل بر آن استوار است. افکار هر شاعر و سخنوری را میتوان در لابه‌لای تشبیهات او یافت، زیرا زاویه دید و بینش شاعر را به جهان و طبیعت نشان میدهد. در کتابهای بلاغی تعاریف گوناگونی از تشبیه شده است. «تشبیه آن است که چیزی را به چیزی مانده کنند بصورت و به هیأت. یا چیزی را بر چیزی مانده کنند به صفتی از صفتها، چون حرکت و سکون و لون و رنگ و شتاب و درنگ» (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۴۴). «تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت‌نمایی است» (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۳). میتوان گفت که «هدف اصلی تشبیه، تبیین و آشکار کردن اندیشه‌ای است که در ذهن پدیدار میشود، اما به دلیل محدودیت زبان، گوینده قادر نیست به خوبی آن را روشن سازد و با زبان مرسوم بیان کند، بنابراین به مدد عنصر خیال دست به دامن تشبیه میشود» (نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقاحسینی و همکاران: ص ۷۴). پرسشهای اصلی پژوهش این است که تشبیه چه نقشی در بیان اغراض و اهداف فردوسی داشته‌است؟ مهم‌ترین تشبیهات مورد استفاده شاعر کدامند؟ و کدامیک از انواع تشبیه برای فردوسی در دو بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه اهمیت و کاربرد بیشتری داشته‌است؟

۱.۱. پیشینه تحقیق

در زمینه تشبیه در شاهنامه پژوهشهایی صورت گرفته‌است، از جمله: «تشبیه در شاهنامه فردوسی»، (۱۳۸۱) از زنجانی، «صورخیال در شعر فارسی»، (۱۳۸۰) از شفیعی کدکنی؛ «قلمرو ادبیات حماسی ایران»، (۱۳۸۱) از رزمجو؛ «بررسی وجه‌شبه در شاهنامه»، (۱۳۸۹) از چناری؛ «تشبیه در جلد‌های ۱، ۲ و ۳ شاهنامه»، (۱۳۸۳) از یاراحمدیان؛ «بررسی تشابهات شاهنامه بر محور مشبّه‌به‌ها»، (۱۳۸۹) از آتشیار.

۱.۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

سبک خاص فردوسی است. یکی از راه‌های دستیابی به حقایق قابل استناد، مقایسه است که در نقد ادبی و بررسی تصاویر شعری دارای اهمیت ویژه‌ای میباشد. این پژوهش مهم‌ترین بخشهای شاهنامه فردوسی (پهلوانی و تاریخی) را از منظر تشبیه کاویده‌است. ۲. بحث و بررسی (ساختار تشبیه در شاهنامه)

این پژوهش، وجه‌شبه، ادات تشبیه، انواع تشبیه، جوانب گوناگون تشبیه و بسامد آنها را در شاهنامه با تکیه بر نمونه‌هایی از این اثر گرانسنگ بررسی کرده‌است.

۱.۲. عناصر تشبیه در شاهنامه

موضوعات و عناصری مانند: اوصاف انسانی، عناصر طبیعت، اشیا، مفاهیم مجرد و انتزاعی و حیوانات مهمترین و پرکاربردترین ارکان ساختاری و محتوایی تشبیه را در شاهنامه تشکیل میدهند.

۲.۲. مشبّه و عناصر آن

تشبیهات شاهنامه از دریچه مشبّه، پنج دسته‌اند که در نمودار شماره ۱ با ارائه آمارهای دقیق بررسی شده‌اند.

۱.۲.۲. عناصر و اوصاف انسانی

فردوسی در مشبّه تشبیهات خود، بیشترین موضوعات را از «انسان و عناصر انسانی» گرفته‌است، بگونه‌ای که بسامد آن در بخش اساطیری ۶۰ مورد، معادل (۶۳٪)، در بخش پهلوانی ۱۴۷۰ مورد، معادل (۶۶٪)، و در بخش تاریخی ۳۶۷ مورد، معادل (۵۳/۶) درصد تصاویر شاهنامه را تشکیل میدهد. از بخش پهلوانی:

به بالا چوسرو و به رخ چن بهار به هر چیز مانده شهریار*
(۴۸، ۹۲، ۱۵)

از بخش تاریخی:

سکندر چوگفتار ایشان شنید به رخساره شد چن گل شنبلید
(۱۱۱۲، ۷۷، ۶۵)

۲.۲.۲. طبیعت و عناصر آن

توصیف طبیعت در شاهنامه «چنانست که گویی سراینده با چشم از طبیعت عکس گرفته و سپس آن عکس را انگاره نگاره‌پردازی کرده‌است» (یادداشتهای شاهنامه، خالقی مطلق: ص ۹۰). عناصر طبیعی در دوره پهلوانی (۳۵۰) بار، معادل (۱۶٪)، و در بخش تاریخی (۱۱۵) بار، معادل (۱۶/۸) درصد در جایگاه مشبّه قرار گرفته‌اند. از بخش پهلوانی:

جهان پر شد از ناله بوق و کوس زمین آهنین شد سپهر آبنوس
(۳۲۷، ۹۲، ۲۵)

از بخش تاریخی:

همه راغها شد چو پشت پلنگ زمین همچو دیبای رومی به رنگ
(۳۱۱۳، ۲۳۷، ۸۵)

۳.۲.۲. اشیا

اشیا در بخش پهلوانی (۲۱۰) بار، معادل (۹/۴) درصد و در بخش تاریخی (۱۱۵) بار، معادل (۱۱/۴) درصد در جایگاه مشبّه قرار گرفته‌اند. از بخش پهلوانی:

نخستین سپهدار خاقان چین که تاجش سپهرست و تختش زمین
(۷۳۹، ۱۵۱، ۳۵)

از بخش تاریخی:

یکی جوشنی بود تابان چو نیل به بالا و پهنای یک چرم پیل
(۱۵۴۶، ۱۰۵، ۶د)

۴.۲.۲. مفاهیم مجرد و انتزاعی

این مفاهیم در بخش پهلوانی ۶۱ بار، معادل (۴/۶) درصد، در بخش تاریخی ۹۵ بار، معادل (۱۳/۹) درصد، در جایگاه مشبّه قرار گرفته‌اند. بلا، رنج، کینه، وفا.

از بخش پهلوانی:

روانش خرد بود و تن جان پاک تو گفتمی که بهره ندارد ز خاک
(۱۲۲، ۵۸، ۲د)

از بخش تاریخی:

بدان تا کسی بد نگوید ترا به دریایِ تهمت نشوید مرا
(۱۰۳، ۲۰۰، ۶د)

۵.۲.۲. حیوانات

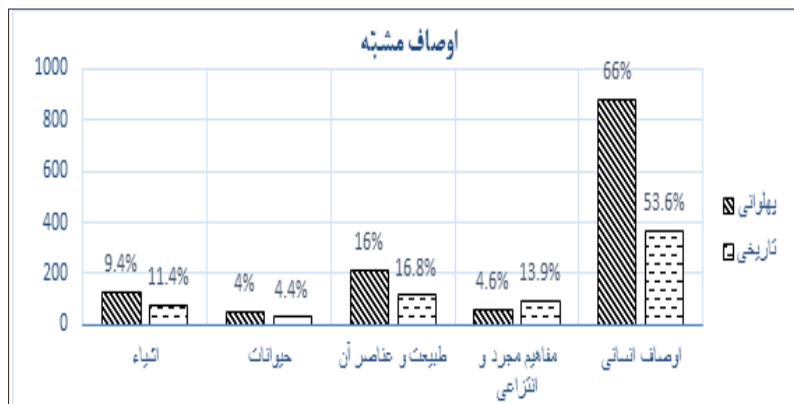
حیوانات و بویژه اسبها در دنیای شاهنامه حضور مداومی دارند. حیوانات در بخش پهلوانی ۵۳ بار معادل (۴٪)، و در بخش تاریخی ۳۰ بار، معادل (۴/۴) درصد در جایگاه مشبّه قرار گرفته‌اند. از بخش پهلوانی:

به ران اندرآورد و کردش دوال عقابی شده رخس با پرّ و بال
(۱۴۵۴، ۱۹۳، ۳د)

از بخش تاریخی:

یکی شارستان دید جایی بزرگ ببردند با پویه اسپان چو گرگ
(۶۶۵، ۱۸۰، ۶د)

نمودار شماره ۱



۳,۲. مشبّه به و عناصر آن

تشبیهات شاهنامه از دریچهٔ مشبّه به به پنج دسته تقسیم میشوند که در نمودار شمارهٔ ۲ با ارائهٔ آمار دقیق بررسی میشوند، و به ترتیب بسامد عبارتند از: طبیعت و عناصر آن، حیوانات، اشیا، اوصاف انسانی، مفاهیم مجرد و انتزاعی.

۱,۳,۲. طبیعت و عناصر آن

در بخش پهلوانی ۶۰۷ مورد، یعنی (۴۵/۱) درصد، و در بخش تاریخی ۳۰۰ مورد، یعنی (۴۳/۶) درصد تصاویر شاهنامه را عناصر طبیعی تشکیل میدهد.

از بخش پهلوانی:

یکی تیر باران بکردند سخت
چو باد خزان بگذرد بر درخت
(۳د، ۸۳، ۹۱۷)

از بخش تاریخی:

سکندر پس لشکر بدگمان
همی تاخت برسان باد دمان
(۶د، ۴۴، ۵۷۱)

۲,۳,۲. حیوانات

در تصاویر شاهنامه، جایی را بدون حضور حیوانات نمیتوان تصور کرد. در مورد حیوانات شاهنامه جدای از موجودات اساطیری، باید گفت که فردوسی از حیواناتی نام برده که در پیرامون او بوده‌اند. حیوانات در بخش پهلوانی ۳۰۵ مورد، معادل (۲۲/۶) درصد، و در بخش تاریخی ۱۰۸ مورد، معادل (۱۵/۷) درصد، در جایگاه مشبّه به قرار گرفته‌اند.

از بخش پهلوانی:

به گردن به کردار شیران نر
بسان گوزنان به گوش و به سر
(۴د، ۲۶۶، ۱۴۹۴)

از بخش تاریخی:

برفتند پویان به کردار غُرم
بدان بیشه کِش نام خوانند خُرم
(۶د، ۱۲۴، ۱۸۴۰)

۳,۳,۲. اشیا

اشیا در بخش پهلوانی ۳۰۰ بار، معادل (۲۲/۳) درصد، و در بخش تاریخی ۱۹۴ بار، معادل (۲۸/۲) درصد، در جایگاه مشبّه به قرار گرفته‌اند. از بخش پهلوانی:

مرا بُرد باید سوی او پیام
سخن برگشایم چو تیغ از نیام
(۲د، ۴۹، ۶۶۳)

از بخش تاریخی:

که دانش به شب پاسبان منست
خرد تاج بیدار جان منست
(۶د، ۳۱، ۳۹۱)

دوان کبودکان از پس او چو تیر چو گشتند نزدیک با اردشیر
(۱۳۰، ۲۰۲، ۶د)

۴.۳.۲. اوصاف انسانی

اوصاف و عناصر انسانی در بخش پهلوانی ۷۴ مورد، معادل (۵/۵) درصد، و در بخش تاریخی ۴۳ مورد، معادل (۶/۲) درصد در جایگاه مشبّه‌به قرار گرفته‌اند.

از بخش پهلوانی:

به چهر تو ماند همی چهره‌ام چنانچون تو باشد مگر زهره‌ام
(۱۵۴۴، ۲۷۲، ۱د)

از بخش تاریخی:

یکی نامه بنبشت چون بوستان گل بوستان چون رخ دوستان
(۲۹۷۸، ۲۲۶، ۸د)

۵.۳.۲. مفاهیم مجرد و انتزاعی

این عناصر در بخش پهلوانی ۶۰ بار، معادل (۴/۵) درصد و در بخش تاریخی ۴۳ بار، معادل (۶/۲) درصد در جایگاه مشبّه‌به قرار گرفته‌اند.

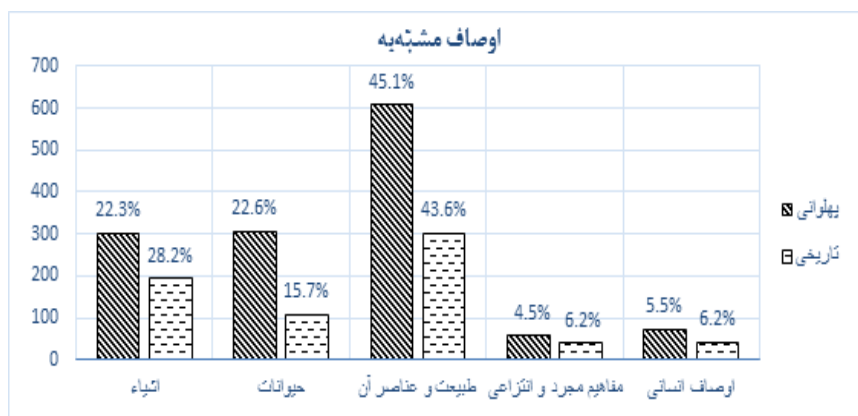
از بخش پهلوانی:

که این را بدارید چون جان پاک نباید که بیند وُرا باد و خاک
(۲۴۱۶، ۳۶۸، ۲د)

از بخش تاریخی:

تگرگ آمد امسال برسان مرگ مرا مرگ بهتر بُدی زان تگرگ
(۷۴۰، ۴۷۳، ۸د)

نمودار شماره ۲



۳. انواع تشبیه به اعتبار ارکان آن

«تشبیه چهار رکن دارد: مشبّه، مشبّه‌به، وجه‌شبهه و ادات تشبیه» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۲۲۶). پس به لحاظ وجود یا عدم وجود ارکان فوق، تشبیه انواعی دارد که در نمودار شماره ۳ بطور دقیق آمده‌است.

۱،۳. تشبیه مجمل

مجمل، «تشبیهی است که وجه‌شبهه در آن ذکر نمی‌شود، اما سایر ارکان آن ذکر می‌شود» (معانی و بیان، تجلیل: ص ۵۴). مهمترین بحث در تشبیه، وجه‌شبهه است زیرا «وجه‌شبهه، مبین جهانبینی و وسعت تحیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه‌شبهه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند می‌شویم» (بیان، شمیسا: ص ۹۸). مهمترین دلیلی که فردوسی وجه‌شبهه را در تشبیهات شاهنامه ذکر نمی‌کند، وقتی است که مشبّه‌به دارای صفت و ویژگی واضح و آشکاری باشد، که دارای بیشترین بسامد در دو دوره پهلوانی و تاریخی است. مورد دیگر میتوان تنگنای وزن و قافیه و یا کوتاه آوردن تشبیه را نام برد. بسامد تشبیه مجمل در بخش پهلوانی ۹۸۷ مورد، معادل (۵۲٪) و در بخش تاریخی ۳۲۶ مورد، معادل (۴۹/۵) درصد از تمام تشبیهات شاهنامه میباشد.

از بخش پهلوانی:

چو نامه برو خواند فرخ دبیر رخ شهریار جهان شد چو قیر
(۲۵، ۲۶۳، ۹۲۶)

از بخش تاریخی:

همی تیر باریدهمچون تگرگ برین هم نشان تا غمی گشت گرگ
(۶د، ۵۷۴، ۲۱۰۶)

۲،۳. تشبیه بلیغ (فشرده)

این نوع تشبیه به دلیل عدم وجه‌شبهه و ادات تشبیه، بسیار فنی و هنری است و بر خواننده تأثیر شگرفی دارد. آمار این نوع تشبیه در بخش پهلوانی ۴۲۲ مورد، معادل (۱۹/۶) درصد و در بخش تاریخی ۱۶۳ مورد معادل (۲۱/۳) درصد از تمام تشبیهات میباشد. از ترکیبات پُرکاربرد بلیغ اضافی میتوان در بخش پهلوانی؛ تخم بدی، تخم نیکی، گلرخ، پیلتن، خورشیدچهر، تیر مژگان، پرده شرم، پریچهره، آتش کین، ماهروی، بند بدی، چشمه آفتاب، تخم کینه، آتش جنگ، راه آز، گنج راز، چاه نیاز، و در بخش تاریخی؛ پالیزکین، درخت بزرگی، باران تیر، ماهچهر، دام بلا، آب خرد، تخم زفتی، ماهرخ، چادر داد، دریای تهمت، رایت بخردی، دام سوگند، آب دانش و چادر شرم را ذکر کرد.

از بخش پهلوانی:

جهان را یکی شهریار آوری درختِ وفا را به بار آوری
(۲۵، ۴۱۴، ۴۷۲)

از بخش تاریخی:

از آن لشکر روم بگریخت اوی به دامِ بلا در نیاویخت اوی
(۶۰، ۱۳۹، ۹۰)

۳,۳. تشبیه ساده (مفصل)

تشبیهی است که هر چهار رکن تشبیه را داراست. «قدما تشبیه ساده و حسی را بیشتر می‌پسندیده‌اند و متأخران تشبیهات لطیف و نازک را» (صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۵۸). در تشبیهات باز (مفصل) که وجه‌شبه و ادات تشبیه در ساختار آنها ذکر میشود، خواننده منفعل است، نه فعال. میتوان یکی از دلایلی را که تمام ارکان تشبیه در شاهنامه ذکر شده، علاقه داشتن به تکرار و اطناب در سبک خراسانی دانست. تعداد این نوع تشبیه در شاهنامه فراوان است و بسامد آن در دورهٔ پهلوانی ۴۸۱ مورد، معادل (۲۵/۲) درصد و در دورهٔ تاریخی ۱۶۵ مورد، معادل (۲۵٪) است.

از دورهٔ پهلوانی:

چو پیلان همه دشت بریکدگر فگندند تنها، جدا کرده سر
(۴د، ۵۸، ۹۱۲)

ارکان تشبیه بیت بالا عبارتند از: تنها: مشبّه / پیلان: مشبّه‌به / چو: ادات / فگنده شدن پیکرها بر روی هم: وجه‌شبه.

از دورهٔ تاریخی:

همه رزمگه گشته چون کوهکوه بهم برفگنده ز هر دو گروه
(۵د، ۴۷۹، ۹۳)

ارکان تشبیه در بیت بالا: گشته‌ها: مشبّه / کوهکوه: مشبّه‌به / چون: ادات / بر روی هم افگنده شدن و بسیاری: وجه‌شبه.

۴,۳. تشبیه مؤکد

تشبیهی است که ادات تشبیه در آن ذکر نمیشود. آن را «تشبیه استوار نیز نامیده‌اند» (نامهٔ باستان، کزازی: ص ۳۷۷). ذکر نشدن ادات، سبب دیرپای شدن طرفین تشبیه میشود و برای فهم تشبیه، خواننده به کنکاش می‌افتد. «تشبیه مؤکد را یکی از عوامل فشردگی و ایجاز در زبان فارسی دانسته‌اند» (دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۱۳۵). در بخش پهلوانی تعداد آن ۱۷ مورد و در بخش تاریخی ۵ مورد است که در هر دو قسمت، کمتر از یک درصد می‌باشد.

از بخش پهلوانی:

شبستان بهشتی بُد آراسته پُر از خوبرویان و پُرخواسته
(۲۵، ۲۱۵، ۱۸۴)

ارکان تشبیه در بیت بالا: شبستان: مشبّه / بهشت: مشبّه‌به / آراستگی و پُر از خواسته و پُر از خوبروی بودن: وجه‌شبه.

فرستاده از پیش او باد گشت به زیر اندرش چرمه پولادگشت
(۱۵، ۲۰۷، ۶۴۶)

ارکان تشبیه در بیت بالا عبارتند از: چرمه (اسب): مشبّه / پولاد: مشبّه‌به / محکم و آهنگون بودن: وجه‌شبه.

از بخش تاریخی:

به رزم اندرون، زنده پیل بلاست به بزم اندرون، آسمان و فاست
(۲۵، ۲۴۳، ۶۵)

ارکان تشبیه در بیت بالا عبارت از: [شاپور اردشیر]: مشبّه / زنده پیل بلا: مشبّه‌به / قوی پنجه و ویرانگر بودن: وجه‌شبه.

نمودار شماره ۳

۴. انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

حواس حضور اساسی و تأثیرگذاری در دنیای حماسه دارند و در تصویرسازی رکن اصلی بشمار میروند. «تصویر در شعر، بیان‌یاست که به صور ذهنی حاصل از دریافتهای حسی شاعر زندگی میبخشد. بعبارت دیگر سبب میشود تا خواننده احساس کند چیزی را بگونه‌ای متمایز میبیند، لمس میکند، میبوید یا میشنود» (حکایت شعر، اسکلتن: ص ۱۰۵).

۱,۴. حسی به حسی

با توجه به نمودار زیر، در بین تشبیهات شاهنامه بیشترین بسامد و آمار در هر دو بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه، مربوط به تشبیهات حسی به حسی است که یکی از مهمترین ویژگیهای سبک خراسانی بشمار میرود. بگونه‌ای که بدون لحاظ کردن موارد مشابه، این نوع تشبیه در بخش پهلوانی ۱۸۳۹ بار، معادل (۰,۸۹٪)، و در بخش تاریخی ۵۸۴ بار، معادل (۰,۸۴٪) تمام تشبیهات را دربردارد. از بخش پهلوانی:

دوگوشش چو دو خنجر آبدار بر و یال فری، میانش نزار
(۱۵، ۳۳۵، ۹۸)

به بالا بلند و به گیسو کمند زبانش چو خنجر لبانش چوقند
(۲۵، ۷۲، ۷۵)

از بخش تاریخی:

ز مردم زمین دید چون پر زاغ سیه دیسه و چشمها چون چراغ
(۱۱۶۶، ۸۰، ۶۵)

به گرد آمدن چون ستوران شوند تگ آرنند برسان گوران شوند
(۱۴۳۷، ۹۸، ۶۵)

۲،۴. حسی به عقلی

«به لحاظ تئوری، این تشبیه نباید وجود داشته باشد، چون غرض از تشبیه این است که به کمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم یعنی به کمک مشبّه‌بھی که در صفتی اعرف و اجلی و اقوی از مشبّه است، حال و وضع مشبّه را توصیف کنیم و بدیھی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو در اینگونه تشبیهات، شاعر باید خود وجه شبهی را که در نظر دارد ذکر کند» (بیان و معانی، شمیسا: ص ۳۷). بدون لحاظ کردن موارد مشابه، این نوع تشبیه در بخش پهلوانی ۶۹ بار، معادل (۳/۳) درصد، و در بخش تاریخی ۲۷ بار، معادل (۳/۵) درصد میباشد. از بخش پهلوانی:

روانش خرد بود و تن جان پاک تو گفستی که بهره ندارد ز خاک
(۵۸، ۱۲۲، ۲۵)

در بیت بالا، در تشبیه دوم، «تن» به «جان» که مشبّه‌به عقلی است، مانند شده‌است. از بخش تاریخی:

یکی نامه بنبشت نزدیک خویش ز قیصر چُن آیین تاریک خویش
(۷۸۹، ۱۴۹، ۷۵)

ارکان تشبیه در بیت بالا عبارت از: نامه: مشبّه / آیین تاریک: مشبّه‌به / چُن: ادات تشبیه / درهم و نامفهومی وجه شبه.

۳،۴. عقلی به حسی

بدون لحاظ کردن موارد تکراری، این تشبیه در بخش پهلوانی ۷۳ بار، معادل (۳/۵) درصد و در بخش تاریخی ۷۱ بار، معادل (۹/۲) درصد میباشد. از بخش پهلوانی:

سیاوش از آن دل پر اندیشه کرد روان را از اندیشه چون بیشه کرد
(۵۷۷، ۲۴۱، ۲۵)

در بیت بالا، «روان»، مشبّه عقلی به «بیشه»، مشبّه‌به حسی مانند شده‌است. از بخش تاریخی:

بدان تا کسی بد نگوید مرا به دریای تهمت نشوید مرا
(۱۰۳، ۲۰۰، ۶۵)

در بیت بالا، «تهمت»، مشبّه عقلی به «دریا»، مشبّه‌به حسی مانند شده‌است.

خرد همچو آبست و دانش زمین بدان کین جدا، و آن جدا نیست زین (۶د، ۲۵۶، ۱۴)

همچنین در بیت بالا، «خرد» و «دانش»، مشبّه عقلی به «آب» و «زمین»، مشبّه به حسی مانند شده‌اند.

۴.۴. عقلی به عقلی

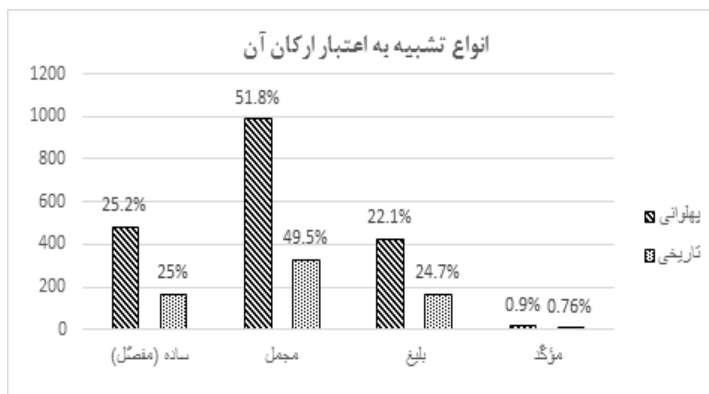
اینگونه تشبیه هم قاعدتاً نباید وجود داشته باشد، زیرا از مشبّه به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمیشود تا حال مشبّه را به کمک آن دریابیم. فردوسی از اینگونه تشبیه بسیار کم استفاده نموده، بگونه‌ای که بسامد تشبیهات عقلی به عقلی در سراسر شاهنامه به ۱۰ مورد نمیرسد. مهمترین دلیل آن را هم میتوان در عینی و حماسی بودن این اثر دانست، زیرا امور عقلی در حماسه جایگاهی ندارد. البته «مراد از عقلی آن است که به هیچ یک از حواس، محسوس نباشد» (آیین سخن، صفا: ص ۵۲). آمار این نوع تشبیه در بخش پهلوانی ۴ و در بخش تاریخی ۲ مورد است. از بخش پهلوانی:

روانش خرد بود و تن جان پاک تو گفتمی که بهره ندارد ز خاک (۲د، ۵۸، ۱۲۲)

از بخش تاریخی:

خرد در جهان چون درخت وفاست و زو بر نخستین دل پادشاست (۷د، ۱۹۳، ۱۲۵۵)

نمودار شماره ۴



۵. تشبیه خیالی

«تشبیه خیالی و تشبیه وهمی از فروع تشبیه عقلی است چرا که مقصود از «عقلی» در تشبیه ملموس و محسوس نبودن است و خیالی و وهمی هم اینگونه‌اند» (معانی و بیان، احمدنژاد: ص ۳۱). بسامد تشبیه خیالی در بخش پهلوانی ۱۲ مورد، و در بخش تاریخی ۷

مورد میباشد.

بخش پهلوانی:

زمین شد به کردار دریای قییر همی موج او خنجر و گرز و تیر
(۲، ۵۷، ۷۷۶)

از بخش تاریخی:

چو خورشید تابنده بنمود تاج زمین شد به کردار دریای عاج
(۷۵، ۱۲۷، ۵۱۶)

۶. انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن

«درگذر تاریخ شاعرانی که در پی بروز خلاقیت و نوآوری بوده‌اند، در پی چاره‌جویی بر می‌آمدند. برای نمونه تشبیه قد به سرو، تشبیهی قریب و مبتذل و عادی میشده‌است، اما شاعری که قد را به سرو سیمینی که بر سرش ماهی منور است تشبیه کرده، نوعی نوآوری در کلام پدیدآورده» (بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه، طالبیان: ص ۸۲).

۱،۶. مفرد به مفرد

براساس نمودار زیر، پرکاربردترین نوع تشبیه در هر دو بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه مربوط به تشبیه مفرد به مفرد است. یعنی تشبیهی که هر دو رکن مشبّه و مشبّه‌به آن، تصویر یک هیأت یا یک چیز است. بگونه‌ای که بدون لحاظ کردن موارد تکراری، این نوع تشبیه در دوره پهلوانی ۷۴۶ بار، معادل (۵/۵۸) درصد، و در دوره تاریخی ۲۲۲ بار، معادل (۴۶٪) میباشد.

از بخش پهلوانی:

پیامی بیامد به کردار سنگ به افراسیاب از دلاور پشنگ
(۱، ۳۳۰، ۴۵)

از بخش تاریخی:

چو شد کوه برگونه سندروس ز درگاه برخاست آوای کوس
(۵۵، ۴۸۲، ۱۳۴)

۲،۶. مفرد به مقید

این نوع تشبیه نیز در دو بخش مورد بحث در شاهنامه، دارای بسامد بالایی است. در مورد واژه مقید باید گفت که «تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد» (بیان ومعانی، شمیسا: ص ۴۰). بسامد این نوع تشبیه در دوره پهلوانی ۳۴۰ بار، معادل (۲۶/۶) درصد و در دوره تاریخی ۱۴۲ بار، معادل (۲۹/۱) درصد میباشد.

از دوره پهلوانی:

بزد نای رویین و بر بست کوس بیاراست لشکر چو چشم خروس
(۵۳۹، ۳۲۲، ۱۵)

از دوره تاریخی:

توگفتی زمین کوه جنگی شده است ز گرد آسمان روی زنگی شده است
(۱۶۲، ۵۴۱، ۵۵)

۳،۶. مقید به مفرد

بسامد این تشبیه در دوره پهلوانی ۶۳ بار، معادل (۵٪) و در دوره تاریخی ۴۹ بار، معادل (۱۰٪) است. از بخش پهلوانی:

به بازیگری ماند این چرخ مست که بازی برآرد به هفتاد دست
(۴۷۴، ۵۶، ۳۵)

لب رستم از خنده شد چون بسد همی گفت: نیکی ز یزدان سزد
(۱۲۳، ۳۳۶، ۱۵)

از بخش تاریخی:

تنش زیر موی اندرون همچو نیل دو گوشش به کردار دوگوش پیل
(۱۶۹۵، ۱۱۴، ۶۵)

چو شد روی کشور به کردار قیر کنیزک بیامد بر اردشیر
(۲۵۴، ۱۵۱، ۶۵)

۴،۶. مقید به مقید

بسامد این نوع تشبیه در دوره پهلوانی ۶۶ بار، معادل (۵/۲) درصد، و در دوره تاریخی ۲۹ بار، معادل (۶٪) است. در تفاوت تشبیه مقید و مرکب باید گفت که «جمله‌واره‌های تشبیهی از اقسام تشبیهات مرکبند. و از گروه‌های تشبیهی آنهایی که از مضاف و مضاف‌الیه و صفت و موصوف تشکیل میشوند، جزء تشبیهات مقید و آنها که با «و» عطف و «میان» و «بههم» بیایند، جزء تشبیهات مرکبند» (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۴۴۵).

از بخش پهلوانی:

همه لشکر طوس با این سپاه چو ابری سپاهست بر چرخ ماه
(۹۸۳، ۱۶۶، ۳۵)

از بخش تاریخی:

همه رای تو برتری جستنت نهان تو چون رنگ آهرمنست
(۴۹۹، ۳۹، ۶۵)

۵،۶. مرکب به مرکب

در این تشبیه «واجب است که هیئتی تشبیه کرده شود به هیئتی و وجه شبه در آن هیئتی

باشد مشترک بین‌الهیئتین» (معالم‌البلاغه، رجائی: ص ۱۶۷). اینگونه تشبیه از تخیل بسیار قوی شاعر حکایت دارد و بدلیل تصویر پیچیده‌اش، در ادبیات حماسی کاربرد بسیار دارد. «بسامد تشبیه مرگب در سبک خراسانی بیش از سبک عراقی است» (صورخیال در شعرسبک خراسانی، طالبیان: ص ۳۶۰). بسامد آن در دوره پهلوانی ۶۰ بار، معادل (۴/۷) درصد و در دوره تاریخی ۴۵ بار، معادل (۹/۲) درصد می‌باشد.

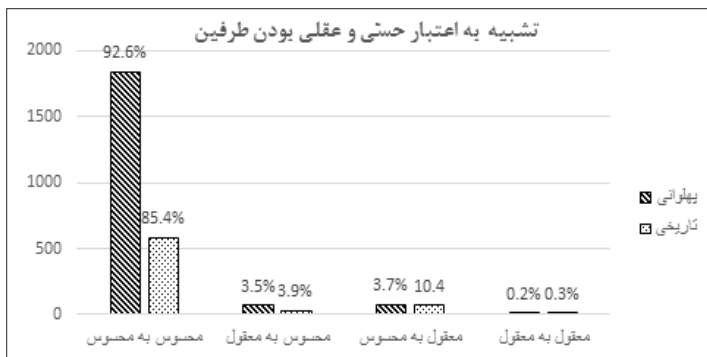
از بخش پهلوانی:

درخشیدن تیغِ الماسگون شده لعل و آهار داده به خون
به گرد اندرون همچو ابری پرآب که شن‌گرف بارد برو آفتاب
(۱۵، ۲۹۸، ۹-۱۹۸)

بخش تاریخی:

سواران ایران بسان پلنگ به هامون کجا گرمش آید به چنگ
پس رومیان در همی تاختند در و دشت ازیشان بپرداختند
(۷د، ۱۳۵، ۲-۶۳۱)

نمودار شماره ۵



۷. انواع تشبیه از لحاظ شکل و ظاهر

با توجه به نحوه قرار گرفتن ارکان تشبیه، چند نوع تشبیه بوجود می‌آید که در زیر به بررسی آنها پرداخته شده است.

۱.۷. تشبیه مضمّر (نهان)

تشبیه مضمّر (ضمنی) شاعرانه‌ترین مقوله سخن و یکی از شکل‌های غریب است که دستبرد و تجربه و استعداد هنرمند را نشان می‌دهد (بیان در شعر فارسی، ثروتیان: ص ۵۰). هرچه تشبیه پنهانتر باشد، کوشش ذهن برای کشف رابطه نهفته میان مشبّه و مشبّه‌به بیشتر

خواهد بود. آمارها نشان می‌دهد که فردوسی از اینگونه تشبیه در دوره پهلوانی شاهنامه بسیار بهره برده است. بگونه‌ای که بسامد آن در دوره پهلوانی ۱۰۵ مورد، معادل (۶۲٪) و در دوره تاریخی ۱۸ مورد، معادل (۳۴٪) می‌باشد.

از بخش پهلوانی:

به بالا ز سرو سهی برترست ز مشک سیه بر سرش افسرست
(۲۵، ۲۹۷، ۱۴۴۶)

از بخش تاریخی: در تشبیه زیر، اردشیر با تشبیه مضمّر به خورشید مانند شده است.

چنان شد به فرهنگ و دیدار و چهر که گفتی همی زو فروزد سپهر
(۶۵، ۱۴۳، ۱۴۲)

۲،۷. تشبیه جمع

تشبیه جمع در دوره پهلوانی ۳۶ بار، معادل (۲۱/۲) درصد و در دوره تاریخی ۸ بار، معادل (۱۵/۱) درصد می‌باشد. از بخش پهلوانی: در تشبیه زیر، مشبّه «گردون» است.

به دشمن همیمانند و هم به دوست گهی مغزیابی ازو گاه پوست
(۱۵، ۳۰۷، ۳۲۶)

از بخش تاریخی:

همه بومها پُر ز نخچیرگشت به جوی آبها چون می وشیرگشت
(۶۵، ۴۶۷، ۶۶۳)

۳،۷. تشبیه تفضیل

«در تشبیه تفضیل تنها به برقرار کردن یک پیوند تشبیهی میان مشبّه و مشبّه‌به اکتفا نمی‌گردد؛ بلکه برتری بخشیدن مشبّه بر مشبّه‌به در میان است؛ از آنجا که این برتری بخشیدن بگونه‌ای کاملاً هنری و اقناع‌کننده صورت می‌گیرد، خود به خود زیبایی‌آفرین است و بلاغت سرشاری دارد» (نگاهی تازه به تشبیه تفضیل، مجد و همکاران، ص ۱۶۹). «این تشبیه نوعی از تشبیهات شاعرانه است که مخیّلتراز دیگر انواع است و ذهن را از سویی بسوی دیگر میبرد و درگیرودار تأمل و تفکر، به برتری مشبّه میانجامد» (صورخیال در شعر سبک خراسانی، طالبیان: ص ۱۰۶). تعداد آن در بخش پهلوانی ۱۴ مورد، معادل (۸/۲) درصد و در بخش تاریخی ۷ مورد، معادل (۱۳/۲) درصد است.

از بخش پهلوانی:

دو چشمش بسان دو نرگس به باغ مژّه تیـرگی برده از پَر زاغ
(۱۵، ۱۸۴، ۲۹۱)

از دوره تاریخی:

چو سرروی بُدی برسرش گرد ماه بر آن ماه کرسی ز مُشک سیاه
(۲۰۱، ۳۰۵، ۶۵)

۴.۷. تشبیه مفروق

تشبیهی است که طرفین آن متعدد است ولی هر مشبّهی با مشبّه‌به خود همراه است. بسامد تشبیه مفروق در دوره پهلوانی ۹ مورد، معادل (۵/۳) درصد و در دوره تاریخی ۱۱ مورد، معادل (۲۱٪) است.

از دوره پهلوانی:

به بالا بلند و به گیسو کمند زبانش چو خنجر، لبانش چو قند
(۷۵، ۷۲، ۲۵)

از دوره تاریخی:

خرد همچو آبست و دانش زمین بدان کین جدا، و آن جدا نیست زین
(۱۴، ۲۵۶، ۶۵)

۵.۷. تشبیه تسویه

اگر برای چند مشبّه یک مشبّه‌به بیاورند، یعنی آن چند مشبّه را به لحاظ حکمی یکسان و مساوی در نظر بگیرند به آن تشبیه تسویه میگویند. بسامد این نوع تشبیه در شاهنامه اندک است، بگونه‌ای که در بخش پهلوانی ۳ مورد، معادل (۱/۸) درصد و در بخش تاریخی ۸ مورد، معادل (۱۵/۱) درصد است. از بخش پهلوانی:

همی رفت لشکر گروهها گروه چو دریا بجوشید هامون و کوه
(۷۷۷، ۱۳۷، ۱۵)

از بخش تاریخی:

در و دشت و پالیز شد چون چراغ چو خورشید شد باغ و چون ماه راغ
(۲۸۱، ۱۰۹، ۷۵)

۶.۷. تشبیه ملفوف

یعنی چند مشبّه جداگانه ذکر شود و سپس مشبّه‌به‌ها هرکدام به ترتیب، جداگانه آورده‌شود. اینگونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی لفّ و نشراست. بسامد این نوع تشبیه نیز در شاهنامه پایین است، بگونه‌ای که در بخش پهلوانی ۲ مورد، معادل (۱/۲) درصد و در بخش تاریخی ۱ مورد میباشد. از بخش پهلوانی:

ابا لشکر نوذر افراسیاب چودریای جوشان بُدجوی آب
(۲۶۳، ۳۰۲، ۱۵)

از بخش تاریخی:

فروهشته لفج و برآورده کفج به کردار قیر و شبه کفج و لفج
(۶د، ۹۰، ۱۳۱۲)

۷,۷. تشبیه معکوس

یعنی «چیزی یک بار مشبه و بار دیگر همان چیز مشبه به قرار میگیرد» (اسرارالبلاغه، جرجانی: ص ۱۲۳). «در تشبیه معکوس، جای مشبه و مشبه به عوض شده است و علاوه بر اینکه این نوع تشبیه معمولاً تفضیل هم هست، غرض هم به مشبه به بر میگردد، زیرا در اصل، این مشبه به همان مشبه است که جای آن عوض شده است» (نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقاحسینی و همکاران: ص ۱۸۵). بازتاب تشبیه معکوس در شاهنامه بسیار اندک است. این نوع تشبیه را نیز میتوان از روشهای نوکردن تشبیه دانست. تعداد آن در بخش پهلوانی تنها ۲ مورد، معادل (۱/۲) درصد است. از بخش پهلوانی:

گرآیند زی ما به جنگ آن گروه شود کوه هامون و هامون چوکوه
(۱د، ۱۳۵، ۷۴۸)

همچنین «بیت زیر را نمونه‌ای از تشبیه عکس دانسته‌اند» (یادداشتهای شاهنامه، خالقی مطلق: ص ۱۷).

اگر کوه خارا ز پیکان او شود آب و، دریا شود کان او
(۳د، ۵۳، ۴۲۱)

(جدول شماره ۱) بسامد و درصد تشبیهات از لحاظ شکل و ظاهر

بخش تاریخی		بخش پهلوانی		تشبیهات
درصد	بسامد(بیت)	درصد	بسامد(بیت)	
۳۴٪	۱۸	۶۲٪	۱۰۵	مضمّر
۱۳/۲	۷	۸/۲	۱۴	تفضیل
-	-	۱/۲	۲	معکوس
۱۵/۱	۸	۲۱/۲	۳۶	جمع
۱۵/۱	۸	۱/۸	۳	تسویه
۲۱٪	۱۱	۵/۳	۹	مفروق

ملفوف	۲	۱/۲	۱	۱/۸
-------	---	-----	---	-----

نکته مهم اینکه در دوره پهلوانی بدون لحاظ کردن موارد تکراری، به طور میانگین در هر ۱۲ بیت یک تشبیه آمده‌است. به سخن دیگر، در بخش پهلوانی شاهنامه که براساس نسخه خالقی مطلق ۲۶۷۳۶ بیت می‌باشد، بدون موارد مشابه، تعداد ۲۱۵۰ تشبیه بکاررفته‌است. همچنین در بخش تاریخی که بر اساس نسخه ایشان، ۲۱۷۵۸ بیت می‌باشد، بدون موارد مشابه، تعداد ۷۶۴ تشبیه آمده که بطور میانگین در هر ۲۸ بیت یک تشبیه بکاررفته‌است.

۸. بررسی ادات تشبیه (سازواره‌ها) در شاهنامه

«ادات تشبیه از عوامل نشان‌دارسازی همنشینی است» (از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی: ص ۱۰۶). زیرا اگر در یک تشبیه، ادات را حذف کنیم، از میزان «نشان‌داری» تشبیه کاسته‌ایم. در تشبیهات شاهنامه از ۲۶ گونه ادات تشبیه استفاده شده‌است. از دلایل استفاده فردوسی از ادات، میتوان تنگنای وزن را نام برد. بسامد ادات تشبیه در دو بخش مورد بررسی به ترتیب زیر است.

(جدول شماره ۲) ادات تشبیه در دوره پهلوانی

ادات	بکرदार	بسان	چون	چو	برسان	همچو	گون	همچون	فش
بسامد	۲۳۴	۸۴	۳۵۷	۵۷۱	۱۰۱	۳۲	۲۶	۱۳	۱۳
درصد	۱۵/۵	۵/۵	۲۳/۵	۳۷/۷	۶/۷	۲/۱	۱/۷	۰/۸۶٪	۰/۸۶٪

«بسیاری از پسوندها بر مشابهت دلالت میکنند و بنابر این، از ادات تشبیه‌اند. از این قبیلند: وار، انه، ین، ینه، وش، فش، سان، گون، ی» (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۴۳۵).

(جدول شماره ۳) ادات تشبیه در دوره تاریخی

ادات	بکرदार	بسان	چون	چو	برسان	همچو	همچون	ین
بسامد	۶۴	۲۱	۱۷۴	۱۷۷	۲۹	۲۳	۸	۸
درصد	۱۲٪	۳/۹	۳۲/۷	۳۳/۳	۵/۵	۴/۳	۱/۵	۱/۵

۹. نوآوری‌های فردوسی در شگردهای بلاغی تشبیه

فردوسی در تشبیه‌های شاهنامه از روشها و شگردهای ویژه‌ای مانند: تشبیه در آوردن و نوعی استخدام بهره برده که نشان از هنرآفرینی او در خلق تشبیه است. در زیر به چند نمونه از آنها در شاهنامه پرداخته می‌شود:

خرد درجهان چون درخت وفاست وُزو بر نخستین، دل پادشاست
(۷د، ۱۹۳: ۱۲۵۵)

همچنین در بیت‌های زیر که تشبیه بگونه‌ای ترکیبی است:

بمان تا یکی رزم‌دیده هزبر فرستم به چنگش که برسان ابر
برو تیرباران کند چون تگرگ به سر بر بدوزدش پولاد ترگ
(۴د، ۴۲: ۶-۶۴۵)

تشبیه بیت بالا از تشبیه‌های نو و بی‌سابقه در شاهنامه است که میگوید: از تیرباران سخت، سپاهیان مانند برگ‌های درخت که باد خزان بر آنها وزیده، بر خاک افتاده‌اند.

بیامد چو پیش سکندر، بگفت دل شاه گیتی چو گل برشکفت
(۶د، ۲۴: ۲۸۷)

«برشکفت» در بیت بالا وجه‌شبه تشبیه بوده و دارای نوعی استخدام است که برای گل و دل دو معنی متفاوت دارد.

نتیجه

تمامی تشبیهات شاهنامه در دو دوره پهلوانی و تاریخی بررسی و نتایج زیر حاصل شد، فردوسی در دوره پهلوانی بسیار بیشتر از دوره تاریخی از تشبیه استفاده کرده و هر جا که به روایت داستان و بیان وقایع پرداخته از تشبیهات کمتری استفاده کرده‌است. اما هر جا که به وصف روی آورده، چه وصف شخصیتها و حالات روحی پهلوانان یا وصف رخسار زنان و محافل بزم و رزم، از تشبیهات بیشتری استفاده کرده، که دوره پهلوانی مصداق بارز آن است.

۱. بررسی تشبیه از نظر موضوع مشبّه بیانگر این بود که در هر دو بخش پهلوانی و تاریخی، انسان و اوصاف انسانی بیشترین و حیوانات کمترین موضوعات مورد توجه فردوسی بوده‌اند. همچنین در بحث مشبّه‌به، بیشترین بسامد مربوط به طبیعت و عناصر آن و حیوانات، و کمترین بسامد مربوط به مفاهیم مجرد و انتزاعی بوده‌است. نکته مهم اینکه بسامد بالای عناصر طبیعت در جایگاه مشبّه و مشبّه‌به نشان‌دهنده پویایی و تحرک گسترده تصاویر در شاهنامه می‌باشد که در دنیای حماسه همه چیز جاندار و فعال است و همچنین بازتاب سبک خراسانی در شعر فردوسی است.

۲. از نظر تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین، بیشترین کاربرد در دو بخش پهلوانی (۸۹٪) و تاریخی (۸۴٪) از نوع حسی به حسی، و تشبیه معقول به معقول دارای کمترین بسامد است که در دو بخش، کمتر از یک درصد بود.

۳. به اعتبار ارکان، بیشترین تمایل فردوسی در دو دوره، به تشبیه مجمل بوده که شاعر می‌خواهد، خواننده در درک تشبیه سهیم باشد و یا وجه‌شبه آشکار است. آمار آن در بخش

پهلوانی (۵۲٪) و در بخش تاریخی (۴۹/۵) درصد است.
۴. از نظر افراد و ترکیب طرفین تشبیه، در هر دو بخش بررسی شده، پرکاربردترین نوع، تشبیه مفرد به مفرد است که در بخش پهلوانی (۵۸/۵) درصد و در بخش تاریخی (۴۶٪) از تمام تشبیهات می‌باشد.

۵. از نظر شکل، پرکاربردترین نوع تشبیه در هر دو بخش، تشبیه مضمربا (۶۲٪) در دوره پهلوانی و (۳۴٪) در دوره تاریخی، و کمترین بسامد مربوط به تشبیه معکوس بود که در دوره پهلوانی ۲ مورد و در بخش تاریخی بدون استفاده بود.

۶. از نظر ادات در دو دوره مورد بحث، بیشترین بسامد بترتیب مربوط به «چو، چون، بکردار، برسان، بسان» و کمترین بسامد مربوط به «برگونه، مانند، بدانسان، گویی و فام» می‌باشد. پایان سخن اینکه بررسیهای دقیق آماری دربردارنده نتایج دقیق و قابل استناد است که این پژوهشها ادبیات را به مسیر علمی سوق داده و باید در بررسی متون ادبی بر آن تأکید کرد.

پینوشت:

* ارجاع بیتها به ترتیب شماره دفتر، صفحه و بیت از شاهنامه فردوسی به تصحیح جلال خالقی مطلق می‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- آیین سخن، صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). چ شانزدهم، تهران: ققنوس.
- ۲- از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر)، صفوی، کورش. (۱۳۸۰). تهران: پژوهشگاه هنر و اندیشه اسلامی.
- ۳- اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر، ترجمه جلیل تجلیل. (۱۳۷۴). چ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴- المعجم فی معاییر اشعار العجم، رازی، شمسالدین محمدبن قیس، تصحیح سیروس شمیسا، (۱۳۸۸). تهران: علم.
- ۵- بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه، طالبیان، یحیی. (۱۳۸۴). «مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز»، دوره بیست و دوم، بهار ۱۳۸۴، ش اول، صص ۸۱ تا ۹۰.
- ۶- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود. (۱۳۹۳). چ سوم، تهران: سخن.
- ۷- بیان، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). چ دوم، تهران: میترا.
- ۸- بیان در شعر فارسی، ثروتیان، بهروز. (۱۳۶۹). تهران: برگ.
- ۹- بیان و معانی، شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). تهران: فردوس.
- ۱۰- ترجمان البلاغه، رادویانی، محمد بن عمر، تصحیح احمد آتش. (۱۳۶۲). چ دوم، تهران: اساطیر.

- ۱۱- تصویرآفرینی درمرزبان‌نامه، پورنامداریان، تقی. (۱۳۵۷). «مقالات تحقیقات ایرانی»، بکوشش محمدروشن، ۸۵-۱۲۵.
- ۱۲- حکایت شعر، اسکلتن، رابین. ترجمه مهرانگیز اوحدی. (۱۳۷۵). تهران: میترا.
- ۱۳- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- سبک‌شناسی حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی، فضیلت، محمود. (۱۳۷۹). «مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران»، ش ۱۵۶، صص ۳۸۰-۳۶۱.
- ۱۵- سبک‌شناسی نظم، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). چ دوازدهم، تهران: پیام نور.
- ۱۶- سفر در مه، پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). تهران: نگاه.
- ۱۷- سیری در ادبیات غرب، پرستلی، جان بوینتن، ترجمه ابراهیم یونسی. (۱۳۹۱). چ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، بهکوشش جلال خالقی مطلق. (۱۳۹۳). چ پنجم، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۹- صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان، یحیی. (۱۳۷۸). کرمان: عماد.
- ۲۰- صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). چ هشتم، تهران: آگه.
- ۲۱- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما. (۱۳۸۰). چ چهارم، تهران: مروارید.
- ۲۲- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). چ هفتم، تهران: هما.
- ۲۳- معالم‌البلاغه، رجائی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). چ چهارم، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲۴- معانی و بیان، احمدنژاد، کامل. (۱۳۹۲). چ سوم، تهران: کتاب آمه.
- ۲۵- معانی و بیان، تجلیل، جلیل. (۱۳۸۵). تهران: نشر دانشگاهی.
- ۲۶- معانی و بیان، علوی‌مقدم، محمد و همکاران. (۱۳۷۹). تهران: سمت.
- ۲۷- معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین، بکوشش ماهدخت‌بانو همایی. (۱۳۷۳). چ دوم، تهران: هما.
- ۲۸- مقایسه طبیعت در شعر فارسی و عربی، ابراهیمی کاوری، صادق، و همکاران (۱۳۸۷). «مجله ادبیات تطبیقی»، ش ۵، بهار و تابستان.
- ۲۹- نامه باستان، کزازی، میرجلال‌الدین، ج ۱. (۱۳۷۹). تهران: سمت.
- ۳۰- نگاهی تازه به تشبیه تفضیل، مجد، امید و همکاران. (۱۳۸۹). «فصلنامه ادب فارسی»، دوره جدید ۱، ش ۳-۵، ۲۷۵-۲۵۹.
- ۳۱- نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقاحسینی، حسین و همکاران. (۱۳۹۴). تهران: سمت.
- ۳۲- هنجارگفتار، تقوی، نصرالله. (۱۳۱۷). تهران: مجلس.
- ۳۳- یادداشتهای شاهنامه، خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۳). چ سوم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.